

۳، اردیبهشت ماه، ۱۳۹۶، تهران، ایران

آموزش و مشارکتهای مردمی به منظور پیشبرد اهداف مدیریت اجرایی در اداره شهر دانش بنیان

نام و نام خانوادگی نویسنده (امیرحسین مستوفی زاده)
کارشناس ارشد معماری. مدرس معماری در دانشگاه شهید رجایی کاشان
آدرس پست الکترونیک نویسنده FRACTOSSTUDIO@GMAIL.COM

چکیده

علازغم پیشرفتهای علمی در زمینه تکنولوژیهای مدرن و علوم نوین در معماری و شهرسازی کشورمان، همچنان وضعیت موجود شهرها اختلاف زیادی با پژوهش های مرتبط دارد. شهر شبکه ای درهم تنیده از ارتباط بین دانش و اجتماع است و از تلاقی ارتباط آن ، فرهنگ زاده می شود. اجتماعی که از دانش نوین شهری اطلاعات کمتری داشته باشد به صورت منفعل عمل می کند و این مقوله تبعاتی را در شهرها به دنبال دارد. حرکت به سوی شهر دانش بنیان در جهت ارتقای کیفیت سطح زندگی از طریق بکارگیری علوم نوین است اما، دانشی که محدود به مراکز علمی باشد امکان حضور و مشارکت مردمی در پیشبرد اهداف اجرایی را نمی دهد. شهردانش بنیان، نیازمند شهروند آموزش دیده است که بتواند در این مهم سهیم باشد. هدف تحقیق حاضر، تحلیل و بررسی ارتباط مشارکت به واسطه حضور مردم در جهت دستیابی به آرمانهای شهردانش بنیان است و با بررسی های به عمل آمده می توان به این نتیجه رسید که، آموزش و مشارکت مردمی در شکل گیری و پیشبرد اهداف اجرایی نقش بسزایی دارد. پژوهش حاضر بر اساس روش توصیفی- تحلیلی بوده و با استفاده از اسناد کتابخانه ای و مقالات علمی به تشریح عوامل تاثیر گذار در این زمینه می پردازد.

کلمات کلیدی

مشارکت مردمی ، تعاملات اجتماعی، شهروند فعال، سرمایه اجتماعی.

۳، اردیبهشت ماه، ۱۳۹۶، تهران، ایران

۱- مقدمه

شهر دانش بنیان شهروند با دانش و آگاهی لازم برای فعالیت های فردی یا جمعی را می طلبد. وضعیت کنونی شهر های ما، چه خوب و یا بد آینه ی آگاهی و دانش ما از و قایع معاصر هستند. تاریخ حیات انسان تاریخ همکاری و مشارکت است. زمانی که نخستین بار انسان دریافت که می تواند با تجمیع توان خود بر مشکلات فائق آید بحث مشارکت مطرح شد. امروزه حضور مردمی در زمینه های مختلف نشانگر حس مسئولیت پذیری شهروندی در مقابله با عوامل ناپایدار محیط زیست است. جنبش سه شنبه های بدون خودرو نمونه ای از این نوع مشارکت مردمی است. مدیریت شهری، متخصصان شهری و تکنولوژیست ها دائما ابزارهای جدیدی برای بهبود سیستم های حمل و نقل، کاهش آلودگی زیست محیطی، بهبود ارتباطات، کمتر کردن هزینه های مربوط به خدمات شهری و سایر نیازمندیها ارائه کرده اند، اما مسئله این است که باید همه این دستاوردها در کنار توجه به انسان، مورد هدف قرار داده شود تا بهبود در کیفیت سطح زندگی شهروندان محقق شود. مشارکت مردمی در اداره و پیشبرد امور شهری، و تقویت فضای زیست مدنی از عوامل دستیابی به این مهم است. در شهر های دانش بنیان، علم، فناوری، نوآوری عوامل موثر بر رشد و توسعه آنان قلمداد می شوند از طرف دیگر در سالهای اخیر کسب کارهای جدیدی به عنوان کسب و کارهای دانش بنیان به عنوان مولد اقتصاد و کارآفرینی در کشورهای توسعه یافته در حال شکل گیری هستند. اما نکته مهم برای محقق شدن این اهداف ایجاد ارتباط بین شهروند با این علوم نوین است. این علوم به دلیل جدید بودن نیاز به آموزشهای شهروندی مرتبط دارد تا بتوان با استفاده از این روش به بهبود عملکرد دانش تولیدی کمک کرد.

فارابی در کتاب اندیشه های اهل مدینه فاضله با ذکر مدینه فاضله و ضرورت اجتماعی بودن افراد در هچنین مدینه ای از واژه "تسالم" استفاده می کند که به معنی همزیستی مسالمت آمیز است و به طور بالقوه بر موضوع مشارکت تاکید می کند و افراد را ملزم به زندگی با مشارکت و تعاون با یکدیگر می داند و به پیشبرد امور مردم را محتاج به معاونت و کمک امت و ملت به یکدیگر می داند. به این ترتیب ضرورت زندگی اجتماعی ایجاب می کند که با یکدیگر تسالم کنند.

(فارابی، ۱۳۵۴: ۵۱). در ارتباط با نظریات فارابی و مشارکت شهروندی کمتر کسی از این زاویه به صورت کاملا تخصصی نگریسته است. اما به طور کلی می توان ردپای این بحث را در برخی از آثار پژوهشگران مشاهده کرد.

۲- پیشینه تحقیق

در چند دهه اخیر آموزش و مشارکت مردمی، از جمله مباحثی هستند که در حوضه های مختلف از جمله مدیریت شهری مورد توجه سازمانها و پژوهشگران و مرتبط قرار گرفته است. این مطلب به دلیل ارتباط مستقیم با کاربران و علوم تولیدی در جهت پیشبرد اهداف تحقیقاتی در حوضه اجرایی نقش بسزایی دارد

صرافی و همکارانش در پژوهشی با عنوان با تحلیل و تشریح مفهوم، پیشینه و خاستگاه شهروندی، جایگاه آن را در قوانین و مقررات شهری و مدیریتی کشور را واکاوی و ارتباط آن با مدیریت شهری را تبیین کرده اند.

پورعزت و همکارانش در مقاله به بررسی حقوق شهروندی در منطقه هشت شهر تهران پرداخته و رابطه فعال شهروندی و پاسخگویی و شفافیت سازمانهای شهرداری را بررسی کرده اند که یافته ها نشان می دهد افزایش آگاهی مردم، موجب مشارکت بیشتر آنها برای ادای تکالیف در امور شهری و توسعه شهروند فعال می شود و توسعه شهروند مشارکت جو و فعال موجب بهبود وضعیت حاکم می شود. کلاتتری و فلاحی در کتابی با عنوان سفارش مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران، هدف اصلی این کتاب را شناخت، توصیف و تبیین مسائل اجتماعی شهر تهران می دانند. این کتاب که در شانزده نوشتار جداگانه توسط افراد مختلف نوشته شده، در بخشی از آن به مسأله شهروندی و شهروند فعال پرداخته و سیر تکاملی شهروند را در دوران پساملی جست و جو می کند و بخش دیگر آن به مفهوم مشارکت و ضرورت توجه به آن می پردازد.

زبیری و همکارانش در مقاله ای با عنوان با هدف سنجش میزان آگاهی عمومی شهروندان پیرانشهر از حقوق شهروندی و قوانین شهری و با تحلیل قوانین شهری محتوایی گزیده های از قوانین و مقررات، با استفاده از مطالعات میدانی به سنجش میزان آگاهی شهروندان این شهر پرداخته اند. یافته های این پژوهش حاکی از آن است که میزان آگاهی جامعه آماری پیرانشهر در زمینه حقوق شهروندی و قوانین شهری در سطح پایینی است و شاخص مذکور (آگاهی) با شغل افراد ارتباط معناداری دارد، اما تحصیلات دانشگاهی افراد بر این شاخص تأثیر خاصی نداشته است. مجموعه این عوامل نشانگر آن است که بیشتر افراد آگاه به صورت تجربی و در جریان درگیریهای حقوقی با بخشهای مختلف شهرداری، یا در اثر فعالیت در مشاغل مرتبط با امور شهری، آگاهی لازم را به دست آورده اند.

۳، اردیبهشت ماه، ۱۳۹۶، تهران، ایران

۳- روش پژوهش:

پژوهش حاضر از منابع و اسناد کتابخانه ای در جمع آوری اطلاعات استفاده کرده و همچنین از روش توصیفی- تحلیلی برای تبیین موضوع مورد نظر به لزوم توصیف و تحلیل مشارکت شهروندی در پیشبرد اهداف شهر دانش بنیان و رابطه آن با عملکرد امور شهری می پردازد.

۴- بنیان نظری برنامه مشارکتی

«آرنشتاین» مشارکت را فرایند سهیم شدن مردم در قدرت تاثیرگذاری بر رفتار دولت می داند. از نظر وی مشارکت توزیع مجدد قدرت است که در سطوح مختلف اتفاق می افتد. آرنشتاین هشت سطح مشارکت شهروندان را بر روی نردبانی موسوم به «نردبان مشارکت آرنشتاین» از یکدیگر تفکیک می کند. (اوست هوپی زن، ۱۳۷۹) پله های نردبان آرنشتاین، از بخش های ذیل تشکیل شده است؛ ۱. کنترل شهروندی، ۲. قدرت تفویض شده، ۳. شراکت، ۴. تسکین بخشیدن، ۵. مشاوره، ۶. اطلاع رسانی، ۷. درمان، ۸. دستکاری و ظاهر فریبی، آگاه کردن شهروندان از حقایق موجود، بخصوص اگر طوری طراحی شده باشد که جریان اطلاعات یکسویه نباشد، گامی مثبت در جهت حرکت به سوی جلب مشارکت شهروندان به شمار می آید.

۵- مفهوم و معنای مشارکت مردمی

دموکراسیهای اولیه دنیا، همچون دموکراسی آتن، تبلور مشارکت شهروندان در تعیین سرنوشت خود بود. امروزه مشارکت در بستر جامعههای دموکراتیک و مدنی صورتی نهادینه به خود می گیرد. فرهنگ انگلیسی آکسفورد مشارکت را به عنوان «عمل یا واقعیت شرکت کردن، بخشی از چیزی را داشتن یا تشکیل دادن» دانسته است. (رهنما، ۱۳۷۷). مشارکت نهادینه شده در سه بستر جامعه مدنی، شهروندی و دموکراسی شکل گرفته است. بر همین اساس، افزایش مشارکت عمومی شهروندان در فرایند انتقال دانش نوین شهری در شهر دانش بنیان از اهمیت بالایی برخوردار است. اداره امور جامعه در سطوح محلی، منطقه ای و ملی، یکی از شاخص های مهم در پیشرفت جوامع دموکراتیک است. درگونه شناسی مشارکت می توان به انواع مشارکتهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی اشاره کرد. (منوریان و همکاران، ۱۳۸۹).

موسسه تحقیقاتی ملل متحد، توسعه ی اجتماعی و مشارکت را «کوشش های سازمان یافته برای افزایش کنترل بر منابع و نهادهای نظم دهنده در شرایط اجتماعی تعریف کرده است. (غفاری، ۱۳۸۰).

بر مبنای این تعریف توانمند سازی گروههای محروم و جدا افتاده جهت ورود آنها به فرایند مشارکت در تصمیم سازی و نظارت بر امور مربوط به خود، از اهمیتی فزاینده برخوردار است. مجید رهنما با رویکردی توسعه ای ورود مردم به عرصه ی تصمیم سازی و کنترل را مستلزم توجه به پیش فرضهای «مشارکت مردمی» شامل: غلبه بر موانع موجود در مسیر مشارکت مردم در توسعه، ترجیح راهبرد مشارکت بر سایر راهبردهای توسعه، و امکان سازمان یابی مردم در جهت تامین مقاصد خویش، می داند. (رهنما، ۱۳۷۷) همچنین مشارکت را فرایندی دانسته اند که طی آن فرد از طریق «احساس تعلق به گروه و شرکت فعالانه و داوطلبانه در آن» به طور ارادی به فعالیت اجتماعی دست می یازد. «مشارکت کنشی است که از رهگذر آن شهروندان یک جامعه، شرایط تحقق انتظارات خود را مهیا می سازند.» (تاجیک، ۱۳۸۴) بر این مبنا مشارکت «تعهدی فعالانه، آزادانه و مسئولانه» است که به عنوان یکی از سازوکارهای اعمال قدرت از درون جامعه برمی خیزد. (کائوتری، ۱۳۷۹).

گروهی نیز مشارکت را این گونه تعریف کرده اند؛ «مشارکت درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت های گروهی است که آنان را بر می انگیزد تا برای دستیابی به هدف های گروهی، یکدیگر را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند. (طوسی، ۱۳۷۰). مشارکتی کنشی در جهت هدفی معین، بین حداقل دو موضوع، تحت تأثیر محرک های محیطی است. مشارکت به معنای بها دادن به نقش و نظر مردم در تصمیم گیری های سیاسی و دسترسی آنان به منابع قدرت است. (اوکلی و مارسدن، ۱۳۷۰: ۸۸). در مکتب ماکس وبر، مشارکت با مفهوم شانس یا احتمال همراه می باشد، معنای این سخنان این نیست که مشارکت افراد در زندگی اجتماعی لزوماً خصلت ناپایدار و موقتی دارد، بلکه منظور این است که امکان دارد از میزان این شانس در شرایط مختلف و بنا به عوامل مختلف کاسته شود یا حتی در مواردی کاملاً منتفی گردد. این شانس تا هنگامی غیبت دارد که افراد انتظارات معینی از رفتار دیگران داشته و این انتظار به طور عینی همواره تحقق یابد یا برآورده گردد بنا بر این تا زمانی که انتظارات افراد در بطن اجتماعی بر آورده گردد مشارکت افراد که همان باور آنها به نظم مستقر است تا دوام خواهد یافت. (توسلی، ۱۳۸۲: ۴۰). با جمع بندی موارد ذکرشده، مشارکت عمومی را می توان «میزان آگاهی و تمایل مردم در دخالت و اثرگذاری بر خط مشیهای عمومی، اداره امور عمومی و تعیین سرنوشت خود و کشور خود به طور جمعی» تعریف کرد.

۳، اردیبهشت ماه، ۱۳۹۶، تهران، ایران

۶- توسعه پایدار از طریق آموزشهای شهروندی در راستای انتقال علوم نوین شهر دانش بنیان

ارتباط با شهرها مفهوم توسعه شهری پایدار را بدنبال داشته و در دهه های اخیر بخش وسیعی از مطالعات شهری را به خود اختصاص داده است. مفهوم اصلی توسعه شهری پایدار به نقل از پیتر هال "شکلی از توسعه امروزی است که توان توسعه مردم شهرها و جوامع شهری نسلهای آینده را تضمین می کند." توسعه شهری پایدار را می توان به عنوان توسعه ای تعریف نمود که سلامت اجتماعی و اکولوژیکی بلندمدت شهرها را بهبود می بخشد.

بر اساس این تعاریف، راستاهای اصلی پایداری شهری باید زمینه های کاربری فشرده و کارایی هایی مثل اتومبیل کمتر و دسترسی بیشتر، کارایی در استفاده از منابع، آلودگی و مواد زائد کمتر، احیاء سیستمهای طبیعی، مسکن و محیط زندگی خوب، اکولوژی اجتماعی سالم، اقتصاد پایدار، مشارکت مردم، حفظ فرهنگ و درایت محلی، را دربر داشته باشد. (بحرینی و مکنون، ۱۳۸۰). بسیاری از طراحان و برنامه ریزان، سرمایه اجتماعی را به عنوان ابزاری مهم برای توسعه پایدار از ابعاد محیطی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دانسته و توجه خاصی روی این موضوع دارند و عملاً سرمایه اجتماعی و توسعه پایدار را از جنبه های مختلف مکمل و مرتبط به هم می دانند. رشد توانایی های اساسی بشر از جمله شأن و منزلت انسانی و مسئول ساختن بشر در باروری نیروی تصمیم گیری و عملی که سنجیده و از روی آگاهی لازم در مسایل و مشکلات باشد. (توسلی، ۱۳۸۲)

۷- نقش مراکز آموزشی در ایجاد تعاملات بین

شهر و شهروند

این مراکز از ارزش و غنی در کشورهای پیشرفته از جایگاه ویژه ای برخوردارند. در این مکان ها با آموزش در زمینه های مختلف به صورت مشارکت اجتماعی برای شهروندان صورت می گیرد. شهروندان آموزش دیده، می توانند در توسعه شهر مطلوب سهم بسزای داشته باشند. بر همین اساس آموزش فرهنگ شهروندی باعث ارتقای دانش و شناخت شهروندان شده و این می تواند امری مهم در برون رفت تدریجی از وضع موجود شود. شهروندان آگاه از علوم روز حس مسئولیت پذیری بیشتری نیز نسبت به تاریخ و گذشته نشان می دهند و ارتقای حس مسئولیت پذیری در بین شهروندان می توان باعث کاهش آسیب های محیط زیست شود. بر همین اساس می توان گفت که آموزش شهروندی در این حوضه باعث ارتقای سطح کیفی زندگی و کاهش آسیب های محیط زیستی در شهرها می شود.

۸- اهداف و جنبه های برنامه ریزی مشارکتی شهروندی در شهر

هر جامعه در هر دوره زمانی موافق مقتضیات خود از انسان هایی که عضو آن هستند مطالبات معینی دارد که از ذات زندگی اجتماعی سرچشمه می گیرد. لذا در پرتو مجموعه فعالیت های هدفمند و سنجیده جامعه سعی بر آن دارد که فرد مورد پسند خود را به عنوان شهروندان امروز و فردا مجهز به مهارت هایی نماید که او بتواند در عرصه زندگی فردی، اجتماعی، نقش مؤثری ایفا کند. (آقازاده، ۱۳۸۵: ۳). اگر فرهنگ شهروندی به نحو سنجیده ای آموزش داده شود، و به همین تناسب حقوق و مسئولیت ها را به شهروندان متذکر گردد، می تواند مهارت ها و ارزش های شهروندان را بالا برده و سطح زندگی اخلاقی را ارتقاء دهد. به باور برخی از کارشناسان، هنگامی که شهرنشینان به حقوق یکدیگر احترام گذارده و به مسئولیت های خویش در قبال شهر و اجتماع عمل نمایند. مفهوم شهروندی (که شامل اکتساب در مقابل انتساب است) به معنای برخورداری از حقوق و پذیرش تکالیف در ازای زندگی در شهر و ایفای نقش شهروندی است. این حقوق گاه به صورت نوشته شده قانون و گاه قوانین نوشته نشده مورد وثوق اکثریت عرف می باشد. شهروندی که در شهر زندگی می کند باید نسبت به قوانین، مقررات، حقوق و تکالیف خود در شهر آگاهی داشته و قبال شهر خود مسئولیت پذیر باشد، به عبارت دیگر، حس مسئولیت پذیری می بایست در شهروند شکل گیرد و این مهم جزء از طریق آموزش فرهنگ شهروندی میسر نیست. آموزش شهروندی را می بایست دربرگیرنده آموزش دانش ها، مهارت ها و ارزش هایی دانست که با ماهیت و شیوه های اداره یک نظام مردم سالاری مشارکتی همخوانی دارد. آموزش شهروندی عملاً به عنوان وسیله ای برای پرورش احساس تعلق به جامعه و داشتن هدفی در زندگی، برای اعضای آن مورد استفاده قرار می گیرد. موضوع مشارکت و ارتباط آن با نظریات فارابی در اثر فارابی وسیر شهروندی به صورت مستقیم در چاپ دوم فلاسفی (۱۳۸۵) ذکر شده است که در آن نحوه ارتباط میان مشارکت و نظریات فارابی بیشتر از طریق چگونگی حرکت مردم در مدینه فاضله نمود پیدا می کند.

۹- سرمایه اجتماعی و فرهنگی به واسطه مشارکت

سراگیل دین و گروتو معتقدند که «توسعه پایدار، سلامتی محیط و نیل به پایداری از طریق مشارکت شهروندان و سازمان های محلی برای رسیدن به تولید دانش اجتماعی و فرهنگی بدست خواهد آمد، که این نوع مشارکت منجر به سرمایه ای اجتماعی نیز می شود. (سراگیل دین و گروتو، ۱۳۹۰)

۳، اردیبهشت ماه، ۱۳۹۶، تهران، ایران

۱۰- تعاملات اجتماعی در بستر سازی و اعتلاء

فرهنگی

فرهنگ تعاملات اجتماعی، فرهنگی است که حامل تمدن و پیشینه زندگی دیرینه، است که خصوصیات و عناصر فرهنگی خود را در خود جای داده و از این نظر برای مردم تمام جهان ارزشمند است. اما آنچه حائز اهمیت است نقش پیشینه در فرهنگ تعاملات اجتماعی است. این فرهنگ است که با مجموعه‌ای از هنجارها، ارزش‌ها و باورها نوع زندگی انسان را در اجتماع تعیین می‌کند و با اجرای اعمال فیزیکی در فضای اجتماع، نمادهایی را با معانی خاص برای شهرنشینان تداعی کرده، حس تعلق و خاطره‌انگیزی را در آنها و احساس رضایت‌مندی از زندگی در محیط اجتماعی خود ایجاد می‌کند. فضاهای شهری که با هدف تعاملات اجتماعی پدید آمده اند.

الگوهای پیچیده ای از عملکردها و دربردارنده مفاهیم و معانی متنوعی هستند که این روابط نیازمند آموزش‌های لازم برای شناخت و درک بهتر شهروندان برای بالابردن کیفیت ارزش دانش تولیدی است تا بتواند در کیفیت فضاها نیز تأثیرگذار باشد. شناخت کافی از انسان و نحوه ارتباطش با سایرین و چگونگی آن می‌تواند در شکل دهی محیط برای برقراری بیشتر تعامل و ارتباط مؤثر باشد (لنگ، ۱۹۸۷). فضاهای شهری با تمهیدات خاص فرهنگی- هویتی با توجه به شرایط زمان طراحی شده اند و این امکان را به افراد می‌دهند که نسلهای مختلف با هم حضور داشته باشند و باعث بستر سازی و اعتلاء فرهنگی و اجتماعی شوند.

اینگونه فضاها زمانی که با هویت فرهنگ و بستر نوع زندگی افراد همراه باشند امکان انگیزش و انتخاب آزاد میان رفتارها، حرکت‌ها و اکتشافات بعدی را برای تعداد معنی داری از افراد که با آن فضا ارتباط خاصی دارند فراهم می‌آورد. (لینچ، ۱۹۷۲). مؤلفه‌هایی که در نظر بیشتر متخصصان در خصوص فضای شهری که می‌تواند بستر ساز و پذیرای تعاملات اجتماعی باشد اینگونه بیان می‌شود: اختلاط کاربری، سرزندگی، زیبایی بصری، نگهداری و مراقبت از فضا به طور خاص، راحتی کالبدی، امکان نشستن، امکان توقف کردن، دسترسی مناسب، امنیت، تناسب و خوانائی، تنوع و همگانی بودن فضا. (بهزادفر و طهماسبی، ۱۳۹۲). این عوامل جزء عوامل قابل لمس و تاحدی عمقی بحث فضاهای تعاملات اجتماعی به شمار می‌روند که بحث توجه به پیشینه نوع فرهنگ زندگی از عوامل بستر ساز به حساب می‌آید. هر اقلیم و موقعیت جغرافیایی فرهنگ تعاملات اجتماعی خاص خود را دارد و به تبعیت از آن، فضا و مکان خاص خود را نیز می‌طلبد. (نوربرگ شولتز، ۱۳۵۴)

۱۱- شهروند فعال و فرهنگ ارتباط با شهر

فرهنگ ارتباط با شهر عبارت از تبادل نظر بین شهروندان در بهبود امور شهر. اینگونه تبادل ارتباطات به ندرت متعادل است. تجربه نشان داده این نوع تبادل ارتباطات در محیطهای مذهبی و عبادی نقش موثرتری ایفا می‌کند. ارتباطات در بین مردمی که دارای زمینه‌های مشترک (اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی) دانش، تجربه زبان و سبک‌های ارتباطی مشترک هستند، آسانتر صورت می‌پذیرد. ارتباطات محصول فرهنگ، و فرهنگ مشخص کننده رمز، ساختار، فضا و زمینه ارتباطی است که صورت می‌گیرد و هیچ فرهنگی بدون ارتباطات قادر به بقا نیست. شهروند فعال شهروندی است که در امور شهری مشارکت نموده و حضوری مؤثر و فعال در اجتماع خویش دارد و از این طریق بر مدیریت شهری نظارت می‌نماید.

نتیجه گیری

کره زمین تحت تأثیر جمعیت و تکنولوژی است و شهرهای دانش بنیان نقاط طلاقی این دو موضوع هستند. چنانچه عملکرد این عوامل ذکر شده از هم گسسته شود هر یک کارایی خود را از دست می‌دهد و شهرهایمان با آسیبهای مختلف مواجه خواهد شد. شهر به عنوان بزرگترین دستاورد بشر، علاوه بر محلی برای سکونت، می‌بایست آسایش و راحتی شهروندان را فراهم کند از این رو پژوهش‌های دانش بنیان در این زمینه از ویژگیهای شهرهای آینده بشمار می‌رود. مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها پدیده‌ای نوین نیست، بلکه در طول تاریخ با ابعاد مختلف زندگی اجتماعی انسان‌ها پیوند داشته است و این مقوله نشانگر آن است که شهروندان فقط گیرنده رویدادهای زندگی شهری نیستند بلکه رویدادهای اطراف خود را تجزیه و تحلیل می‌کنند و براساس تحلیلی که خود از فرایندهای بیرونی دارند دست به واکنش می‌زنند.

پس می‌توان نتیجه گرفت که با آموزش دادن شهروندان و بالا بردن قدرت تجزیه و تحلیل آنها نسبت به رویدادهای زندگی سطح دانش شهروندی بالاتر رفته و به همین تناسب از آسیب‌های محیط زیستی و غیره... در شهرهایمان کاسته خواهد شد. بهبود زیرساخت تکنولوژیک و خدمات شهری، نه بدون مردم ممکن است و نه این اقدامها باید در خدمت چیزی جز مردم باشند. پیدایش جنبش‌های جدید اجتماعی، بروز خواسته‌های جدید در آدمیان عصر مدرن و ناخرسندی‌هایی که برای افراد در محیطهای شهری پدید آمد، نیازها و مطلوبهای دیگری برای محیطهای شهری و انسانهای حاضر در آن خلق کرد.

۳، اردیبهشت ماه، ۱۳۹۶، تهران، ایران

[۱۳] طوسی، محمدعلی (۱۳۷۰). مشارکت در مدیریت مالکیت، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.

[۱۴] غفاری، غلامرضا. بررسی موانع اجتماعی - فرهنگی موثر بر مشارکت اجتماعی - اقتصادی سازمان یافته (در قالب NGO ها) در جامعه روستایی ایران/ موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران/ تهران ۱۳۸۰.

[۱۵] فلاحی محمد منصور. (۱۳۸۵). فارابی وسیر شهروندی در ایران. چاپ دوم. تهران: نشر فضا.

[۱۶] فارابی، ۱۳۵۴. اندیشه های اهل مدینه فاضله: سید جعفر سجادی. تهران: کتابخانه طهوری.

[۱۷] فاضلی، محمد؛ با همکاری طیبه کریمی و اردشیر بهرامی، (۱۳۹۳) مدیریت شهری و توسعه دانش شهری، تهران: تیسرا.

[۱۸] کلانتری، عبدالحسین و روح الله فلاحی گیلانی (۱۳۹۴)، نوشتارهایی در باب مشارکت و حقوق شهروندی، تهران: مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران: چاپ اول.

[۱۹] کائوتری، هوشین و دیگران، (۱۳۷۹)، مشارکت در توسعه، ترجمه ی هادی غبرائی و داود طبائی، تهران: انتشارات مرکز.

[۲۰] گروتو، یورگ کورت. (۱۳۹۰). زیبایی شناسی در معماری. ترجمه ی جهانشاه پاکزاد و عبدالرضا همایون. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

[۲۱] منوریان و نرگسیان و فتاحی و واثق، (۱۳۸۹). مطالعه نقش عدالت زبانی در ارتقای اعتماد عمومی و مشارکت عمومی شهروندان.

[۲۲] نوربرگ شولت (۱۳۵۴). هستی، فضا و معماری. حافظی تهران: دانشگاه تهران.

یافته های حاصل از پژوهش حاضر نشان می دهد که رابطه مستقیم و معناداری میان مشارکت شهروندان در مدیریت توسعه شهر و بهبود سطح پایداری توسعه در شهر های دانش بنیان وجود دارد. بنابر این بدیهی است که برنامه ریزی حرکت به سوی شهر دانش بنیان در راستای توسعه و بهبود وضعیت شهرها، مستلزم توجه به فرایندهایی است که شهروندان با آموزشهای لازم در حوزه های گوناگون خالق آنها هستند و جهت دهی به این فرایندها در راستای آرمانهای شهردانش بنیان نیازمند آموزش و مشارکت فعالانه و آگاهانه شهروندان در پیشبرد اهداف اجرایی در اداره شهر دانش بنیان است.

مراجع

[۱] آقازاده، احمد (۱۳۸۵). اصول و قواعد حاکم بر فرایند تربیت شهروندی و بررسی سیر تحولات و ویژگی های این گونه آموزشها در کشور ژاپن. فصلنامه نوآوریهای آموزشی، شماره ۱۷، سال پنجم، پاییز ۱۳۸۵.

[۲] اوست هویی زن، اندریاس (۱۳۷۷)، مشارکت شهروندان در طرح ریزی و توسعه نواحی شهری، ترجمه ناصر برکپور، مجله معماری و شهرسازی، شماره ۴۸ و ۴۹.

[۳] اوکلی و مارسدن، (۱۳۷۰). رهیافتهای مشارکت در توسعه روستایی. ترجمه م. محمودنژاد. تهران: مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی.

[۴] آتش بار، مهین (۱۳۷۹) بررسی میزان مشارکت دانشجویان در واحدهای فرهنگی جهاد دانشگاهی دانشگاه فردوسی مشهد و شناسایی عوامل مؤثر بر آن، پایان نامه ی (کارشناسی ارشد)، دانشگاه فردوسی مشهد.

[۵] بحرینی، سید حسین. مکنون، رضا. (۱۳۸۰). توسعه پایدار: از فکر تا عمل. نشریه علمی - پژوهشی محیط شناسی شماره ۲۷، ۶۰ - ۴۱.

[۶] بهزادفر، مصطفی و طهماسبی، ارسلان (۱۳۹۲). شناسایی و ارزیابی مؤلفه های تأثیرگذار بر تعاملات اجتماعی تهران: باغ نظر.

[۷] پورعزت، علی اصغر و همکاران (۱۳۸۸) رابطه آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی با پاسخگویی و شفافیت: سازمانها، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۸.

[۸] تاجیک، محمد رضا، ۲۲ خرداد (۱۳۸۴)، کاهش مشارکت بحران ساز است، روزنامه ایران، تهران.

[۹] رهنما، مجید (۱۳۷۷)، نگاهی نو به مفاهیم توسعه، مترجم: فریده فرهی و وحید بزرگی، تهران: انتشارات تهران مرکز.

[۱۰] رهنما، مجید (۱۳۷۷)، نگاهی نو به مفاهیم توسعه، مترجم: فریده فرهی و وحید بزرگی، تهران: انتشارات تهران مرکز.

[۱۱] زبیری، کرامت الله (۱۳۸۸)، ارزیابی میزان آگاهیهای عمومی شهروندان پیرانشهر از حقوق شهروندی و قوانین شهری: پژوهشهای جغرافیا برنامه ریزی شهری، دوره ۸، شماره ۱.

[۱۲] صرافی، مظهر و مجید عبدالمهدی (۱۳۸۷)، تحلیل مفهوم شهروندی و ارزیابی جایگاه آن در قوانین، مقررات و مدیریت شهری کشور، فصلنامه پژوهشهای جغرافیایی، شماره ۱۸.

[۲۳] Lynch, K. (۱۹۷۲). The Image of the City. London: The MIT Press.

[۲۴] Lynch, K. (۱۹۸۴). Good City Form. Massachusetts: The MIT Press.

[۲۵] Lang, J. (۱۹۸۷). The role of the behavioral sciences in environmental design. New York: Van Nostrand Reinhold.